

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

حمد مالک ملک و ملکوت را لایق که از کلمه علیا حقایق وجود را بطراز اقبال و قلوب را بنور معرفت منور و مزین فرمود امروز الحمد لله آفتاب توحید حقیقی از افق اراده الهی اشراق نموده و لکن متوهمین باینمقام نرسند و فائز نشوند از حق بطلبید وجوه و قلوب را خالصاً لوجه تأیید فرماید بشانیکه امور حادثه دنیا و زخرف و الوان آن از افق اعلایش منع نفرماید و بر دین مبین مستقیم دارد آنه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو الفرد الواحد العلیم الحکیم

دستخط عالی که بمثابة انائی بود که حامل عطر محبت بود چون ختمش گشوده شد عرفش ساحت وجود را معطر نمود حمد خدا را تأیید عطا فرمود و باسباب لا تحصی توفیق عرفان و اقبال و توجه کرم نمود جودش وجود را موجود نمود و بصراط عدلش دلالت فرمود بعد از توجه وقرائن و فرح و انبساط قصد بساط اعلی و ذروه علیا نموده امام وجه مالک اسما بعد از اذن عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة بعد الاصغاء قوله جلّ بیانه و عزّ برهانه و لا اله غیره

بسمی الذی به ماج بحر علم الله المهیمن القیوم

یا ایها الناظر الی الوجه و الناطق بین العباد قل یا ملأ الارض تالله الحق انّ النداء ارتفع من سجن عکاء انه نداء مات فی حسرة اصغائه خلق کثیر یشهد بذلك لسانی فیهذا المقام العزیز البدیع هذا یوم فیہ ماج بحر بیان الله رب العالمین طوبی لمن اقبل و شرب باسمه العزیز الکریم قل یا قوم لا تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل الذی زین الله بذکره دیاج کتبه و صحفه و لوحه المقدس العزیز المنیر ضعوا ما عندکم مقبلین الی الافق الاعلی و کسّروا اصنام الاوهام بجنود الحکمة و البیان هذا خیر لکم عما عندکم کذلک نطق اللسان فیملکوت البیان طوبی للسامعین

یا ایها الطائر فیهوئی بهمت تمام غافلین را بافق دانائی هدایت نما طوبی از برای صدیریکه از نقشها و قصصهای قبل مقدس شده بام کتاب اقبال نمود امروز فرات حکمت و بیان از یمین عرش رحمن جاری و از خزینه قلم اعلی لثالی علم و جواهر عرفان ظاهر و باهر بگو ای قوم انصاف دهید و خود را باقوال کذب نالایقه و قصصهای جعلیه میالائید قسم بافتاب عرفان که از اعلی افق بیان مشرق و لائح از اول عالم الی حین شبه اینظهور ظاهر نه اوست مکلم طور که بر عرش ظهور مستوی اوست نبأیکه در کتب قبل ذکرش مذکور و انبیا و رسل احزاب را بظهورش بشارت داده اند خذوا یا قوم کتاب الله بقوة من عنده و لا تكونوا من الغافلین قد قدر للمقبلین من لدی الله رب العالمین ما عجزت الالسن و الاقلام عن ذکره و احصائه اتقوا الله ثم اقبلوا بوجه بیضاء امراً من هذا الامر الحکیم

یا میم علیک بهائی و عنایتی انصر امر الله بجنود الحکمة و البیان و بما یقرّب الناس الی افقه العزیز البدیع انه یكون معک و یؤیدک بسلطانه و یمدک بجنوده انه علی کل شیئ قدیر طوبی لقلمک بما جرى منه ما فاز بطراز القبول رحمة من لدی الله العزیز الحمید امور حزب شیعه نزد آنجناب معلوم فی الحقیقه آنچه ذکر نمودی سبب اقبال و هدایت ناس است لو تكونوا من المنصفین اینمظلوم بقدرت و قوت الهی امام وجوه اعلی و ادانی من غیر ستر و حجاب ذکر نمود آنچه را که سبب هدایت و نجات و راحت خلق بوده منع مانعین و سطوت ظالمین او را از اظهار اسرار منع نمود در جمیع احوال بنصایح و

مواعظ تکلم نمودیم و چون تجلیات انوار نیر برهان از آفاق قلوب اشراق نمود کل بر اطفاء آن نور ساطع لائح قیام نمودند الا من شاء الله مع آنکه در کتب و صحف و زیر و الواح نزاع و فساد و جدال را منع نمودیم و آنچه سبب نجات و تقرّب الی الله و افعال طیبّه و اخلاق مرضیه بود امر فرمودیم سبحان الله مع آنکه آفتاب حقیقت مشرق و لائح و بحر علم و معرفت مواج و انهر عنایت جاری و سدره مبارکه مقدّسه ناطق کل محجوب مشاهده میگردند مگر قلیلی و قلیل من عبادی الشکور قل یا قوم اتّقوا الله و لا تتّبِعوا اهلکم اتّبِعوا من اتیکم بسلطان مبین

در مدینه کبیره معدودی بر عناد قیام نموده اند و بتضییع کلمه علیا مشغول نفسیکه چهل سنه و ازید در ظلّ قباب عظمت ساکن و مستریح الیوم با معدودی متحد و بظلم لا حدّ له ظاهر هر یوم عمل نموده اند آنچه را که سبب احزان مقرّین و مقدّسین بوده از مفتریات جنودی اخذ نموده اند و از اکاذیب صفوفی و بمحاربه مشغولند کذلک اظهر الله خافیه صدورهم و خائنه اعینهم جناب افنان الف و حاء علیه بهائی و عنایتی باین شطر توجّه نمود از عقب بسیّالّه برقیّه خبر دادند که سیّد احمد و من معه مبلغی نقد و همچنین اوراق نقدیه سرقت نموده اند و بعکّا رفته اند و جناب افنان کبیر علیه بهاء الله الابهی که در این ارض جز اعتکاف خیالی نداشته و ندارند در باره ایشانهم نوشته اند آنچه را که خود گواهی میدهند بر کذبش این امور ظاهر شد تا کل یحیی را بشناسند و بر آنچه بر اینمظلوم وارد شده آگاه گردند اسرار سورۃ لقمن در این ایام ظاهر و مشهود و لکن این امور و امثال آن معدوم صرف بوده و هست ذکرش نظر بحکمت بالغه است تا اولیا بیابند و بشناسند قل یا قوم تالله انّ السّدره تنطق و النّار تتکلم و التّور یدکر و ینادی قد اتی محبوب من فی السّموات و الارضین عند ذلک ارتفع النّداء من کلّ الجهات طوبی لک یا عکّا بما جعلک الله مشرق وحیه و مطلع الهامه و شرّفک بقدومه و نعیماً لک یا عکّا بما ارتفع فیک النّداء و ظهر ما کان مکنوناً مخزوناً فی العلم و مستوراً عن الابصار

منتسبین هر یک را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بآیات منزله از سماء احدیه بشارت ده تا کل از ما عند القوم خود را فارغ و آزاد مشاهده نمایند و بما عند الله توجّه کنند البهاء المشرق من افق سماء العطاء علیک و علی من معک و یحبّک و یسمع قولک فی هذا الامر الّذی جعله الله مقدّساً عن الشّبه و المثل و جعله طالعاً مشرقاً من افق الفضل لمن فی السّموات و الارضین انتهى

صد هزار شکر مقصود عالمیان را که بنفحات آیات افنده و قلوب را مستعد فرمود و الفت بخشید سبحانه سبحانه له العظمه و الاقتدار و القدرة و الاختیار اوست قادریکه صدور مخلصین را بنور عنایت منور نمود و قلوب را بحرارت محبت مشتعل داشت این اشتعال را تأثیرهاست حزبی را بمشهد فدا میفرستد و برخی را بر سریر انقطاع مقرر عطا میفرماید در لیالی و ایام لسان عظمت بما یؤلّف القلوب ناطق چه بسیار از شبها که عین عظمت حبّاً لاولیائیه نیاسود و نوم اخذش نمود آیات بمثابه غیث هائل نازل سبحان الله بی انصافهای عالم الی حین غافل و محجوب نار سدره و نار نفس و هوی را امتیاز نمیدهند سجّتهم الاعراض و عملهم الاغماض فی الحقیقه حیرت اندر حیرتست حزب فرقان بکتاب الله متمسک و کل مشاهده نموده اند و قرائت کرده اند و اصحاب روح علیه سلام الله و بهائیه بانجیل متمسک و کل دیده اند که جمیع بیان آن مبین علیم از جزوی تجاوز نمینماید و حال در هر حین نازل میشود آنچه که اقلام عالم از تحریرش عاجز و السن امم از احصایش قاصر حال بکمال عجز عرض مینمایم

الها محبوبا کریم رحیما عبادت را خلق نمودی و از برای معرفت از عدم بوجود آوردی حال محروم منما تویی آن صانعیکه صنایع عالم و الاسباب الظّاهرة بین الامم کل بر توانائیت گواهند و بعنایت و فضلت مقرر و معترف اگر ایشانرا منع نمائی من الّذی یعترف باقتدارک و یقرّ باختیارک ای پروردگار شهادت میدهد هر ذی درایتی بر قدرت و سلطنت و عظمت تو اولیائت را بایادی کرم از طین اوهام نجات ده و بجنود وحی و الهامت حفظ فرما تویی توانا و عالم و دانا

اظهار شكر و خلوص و فنا و نیستی که تلقاء ظهور مکلم طور روح من فیملکوت الامر و الخلق لذكره الفداء نمودید
فی الحقیقه عرف انقطاع و صفا و خضوع و خشوع و وفا از آن متضوع و بعد از عرض اینفرقه در ساحت امنع اقدس این بیان
از لسان محبوب عالمیان ظاهر و مشرق قوله عزّ بیانه و عزّ برهانه

بسمی الظاهر امام الوجه

یا ایّها الطائر فیهوائی و الناظر الی افقی و المتوجّه بانوار وجهی و الناطق بشائی و المتمسک بحبل عطائی اسمع ندائی فیهذا الیوم
الذی سُمی یوم الله فی الزّبر و الالواح قل یا قوم اسمعوا اسمعوا قد ارتفع النداء من شطر عکاء و ماج بحر البیان امام وجوه
الادیان و اشرق نیر البرهان بنور خضعت عند ظهوره الانوار یا قوم اتّقوا الله ثم انصفوا فیما ظهر بالحقّ انه یجذبکم الی اعلى
المقام یا قوم لا تنکروا حجة الله و برهانه اقبلوا بالقلوب الی الله ربّ الارباب انا سمعنا ما نادیت به الله و وجدنا منه عرف حبک
و اقبالک و توجّهک الی العزیز الوهاب سبحان الله حزب فرقان بشهادات ما ظهر من لسان العظمة ولكنّه رسول الله و خاتم
النّبیین نفحات وحی و فوحات الهام بعد از آنحضرت منقطع است و اینکلمه مبارکه منتهی میشود بقوله تعالی یوم یقوم الناس
لربّ العالمین بشهادات فرقان یوم یوم الله است و ظهور ظهور الله مع ذلك احدی ادراک نموده مطلع جهل و کذب و نزاع و
فساد گفته سوره توحید را باید ترجمه نمود چه که باینها برپویّت و الوهیّت قائلند بگو یا قوم انصاف دهید اگر نفحات وحی
منقطع هادی عباد که و که بوده اگر قول مخبر صادق را اصغا مینمائید بعد از خاتمیّت ظهور الله است و جمیع کتب بر این
شاهد و گواه و همچنین گفته اند دعائیکه در اسحار ماه مبارک رمضان قرائت میشود و باین اسم مزین ترک آن لازم مع آنکه
بقول او بشارت داده اند که اسم اعظم در این دعا موجود و مذکور جمیع عالم را آیات و ظهورات و اشارات اینظهور اعظم
احاطه نموده مع ذلك قوم بما عندهم از ما عند الله محبوب باری فضیلت این دعا را انکار نموده اند و قرائتش را نهی کرده اند
اینست شأن علما دیگر شأن جهلا معلوم نشهد انهم هم الجهلاء و ما دونهم افضل منهم نقطه اولی روح ما سواه فداء میفرماید
انه ینطق فیکلّ شأن انّی انا الله لا اله الا انا ربّ کلّشیء و انّ ما دونی خلقی ان یا خلقی ایّای فاعبدون در اول بیان ذکر من
یظهر را بآنچه ذکر شد بیان فرموده طوبی للناظرین و للفاثرین یا ایّها الناظر الی الوجه بر شما و بر کل لازمست که زمام امر را
باذن الله اخذ نمائید شاید اینحزب باوهم حزب قبل مبتلا نشوند این از افضل اعمال نزد غنیّ متعال مذکور انتهی

ذکر جناب آقا میرزا احمد علیه بهاء الله را نمودند بعد از عرض در افق اعلى این آیات از افق اراده الهی اشراق نمود
قوله تبارک و تعالی یا احمد آذان عالم از برای اصغاء این ندا خلق شد این ندا نوری است ساطع دوستان را آگاه کند و راه
نماید و ناری است مشتعل یک تجلّی از تجلّیات آن بر سدره طور زد ندای انّی انا الله مرتفع و بر روح زد از عالم جسم و
جسمانی قصد مقام ابدی نمود و فلک چهارم مقرّ استوا شد یا احمد یوم الله را ندانستند و از آفتاب حقیقت محرومند اما حزب
شیعه چه میگویند اگر اعمال مطابق اقوال بود ثمرش کو و اگر سدره اقبال غرس شد اوراق و افناش کو یوم یقوم الناس را قرائت
مینمایند و از آن محرومند اقرء ما انزله الرحمن فی الفرقان انّها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او
فی الارض یأت بها الله انّ الله لطیف خبیر یا احمد فرعون ایّام با سیف بغضا از خلف سحاب بیرون آمده البتّه تفصیل را شنیده
مظلوم آفاق کل را وصیّت مینماید بر حفظ عباد که شاید مجدّد سبحات اوهم حائل نشود و مردم را از تجلّیات نیر ظهور منع
نماید انه علی کلّ شیء قدیر قل یا قوم خافوا الله قد ظهر ما لا ظهر فی الابداع و اتی من کان مرقوماً من القلم الاعلى ضعوا
ما عند القوم مقبلین الی الله المهیمن القیوم نسئل الله ان یؤدک و یوفّقک علی ما یحبّ و یرضی انه ولیّ المحسنین قل

لک الحمد یا الهی بما جرى اسمی من قلمک اشهد انک ظهرت و اظهرت ما کان مخزوناً فی العلم و مکنوناً فی کثر
عصمتک انک انت المقتر القدر اسئلک یا مقصود العالم و محیی الامم بالتور الذی ما منعه حجبات الامم ان تؤیّدنی علی

القیام علی خدمتک و نصرة امرک بالحکمة و البیان انک انت العلیم الحکیم
اینعبد هم خدمت ایشان تکبیر و ثنا و ذکر و بها عرض مینماید امید آنکه حجابات خلق را باصبع استقامت خرق نمایند
شاید فائز شوند بآنچه که از برای آن بطراز وجود مزین شده‌اند الامر بید الله ربنا و ربکم و رب العرش العظیم
و اما در باره طبع لله الحمد بقبول فائز حضرت غصن الله الاعظم روحی و ذاتی لتراب قدومه الفداء حسب الامر
ملاحظه فرمودند فی الحقیقه نادانی و گمراهی حزب قبل از آنچه ذکر شد واضح و هویدا طوبی لمن انصف فیما ظهر و طوبی
للفائزین البهاء و الذکر و الثناء علی حضرتکم و علی من معکم و یحبکم و یسمع قولکم فی اثبات ظهور الله رب العالمین
در این حین خادم بحضور فائز قد اقبل الیه جمال القدم و قال نحب ان نذکر ابن من احببت الذی اقبل و فاز و ورد و
اخذ و شرب کوثر البیان من ید عطاء ربّه مالک الانام انا ذکرناه من قبل و فی هذا الحین و نشهد انه من الفائزین یا محمد
علیک بهاء الله کبر علیه من قبلی و بشره بعنایتی انه فاز بالقیام الذی اخبر به الفرقان یوم یقوم الناس لرب العالمین انتهى
اینعبد هم خدمت ایشان تکبیر و بها میرساند و از مشرق عنایت کبری از برای ایشان طلب مینماید ان ربنا هو
السامع و هو المجیب و هو العزیز الحمید و فاز ما ارسله بطراز القبول فضلاً من لدن ربنا و ربکم و رب هذا السجن المعمور
البهاء و الذکر و الثناء علیک مرّة اخرى و علیه و علی کل صبار شکور

این مستند از www.bahai.org/fa/legal کتابخانهٔ منابع بیهائی داتلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت استفاده نمایند.

آخرین ویراستاری: ۱۴ مارس ۲۰۲۵، ساعت ۱۲:۰۰ بعد از ظهر